

## تهدیدهای رانتیریسیم در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران

سعید باغخانی<sup>۱</sup>، دکتر مجید کفاشی<sup>۲</sup>، دکتر سروش فتحی<sup>۳</sup> و دکتر مهرداد نوابخش<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۱

تاریخ وصول: ۹۸/۱۱/۶

### چکیده:

امروزه اهمیت نفت و ثروت‌های هنگفت حاصل از فروش آن بر کسی پوشیده نیست، زیرا این ثروت‌ها همواره دارای پیامدهایی به لحاظ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، و نیز در روند حرکت به سوی توسعه (در همه ابعاد آن) در کشورهای صادرکننده این منبع خدادادی که به اصطلاح به آن دولت‌های رانتیر گفته می‌شود، می‌باشد. همین مهم باعث می‌گردد مطالعه و بررسی پیامدها و تأثیر آن در روند حرکت به سوی ابعاد توسعه با نظر گرفتن شرایط سیاسی - اجتماعی مرتبط با دولت در کشورهای مذکور را دو چندان می‌کند. کشور ایران که اقتصاد آن سال‌ها متکی به ثروت‌های نفتی بوده و همین اقتصاد نفتی همواره کارکردهایی در مسیر توسعه کشور داشته است. از همین رو در این پژوهش سعی شده است با یک روش دلفی به بررسی تهدیدهای رانتیریسیم و توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود که بر اساس نتایج حاصله، از مهمترین تهدیدهای رانتیریسیم در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان مداخله گسترده کشورهای خارجی، کاهش امنیت ملی و عدم تعامل با اقتصاد جهانی، عدم جدیت در دریافت مالیات از مردم در مقابل عدم پاسخگویی دولت به ملت، تمرکز منابع عمده درآمد در دست دولت و عدم شکل‌گیری گروه‌های مستقل اجتماعی، استقلال دولت از جامعه نام برد.

**مفاهیم کلیدی:** رانت، دولت رانتیر، رانتیریسیم، توسعه سیاسی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران  
s.bakhani@ymail.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
majidkaffashi@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران  
fathi.soroush@gmail.com

<sup>۴</sup> استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران  
m.navabakhsh@iauctb.ac.ir

## مقدمه و بیان مسأله

تأمل در باب توسعه و نقش دولت‌ها در آن همیشه مورد دغدغه‌ی متفکران و سیاست‌مداران بخصوص در کشورهای توسعه‌نیافته و جهان سوم بوده است، و در چند دهه‌ی اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران و نخبگان فکری کشورهای جهان سوم را عمیقاً به خود جلب کرده و در کانون علایق فکری اندیشمندان علوم اجتماعی و علوم سیاسی آن کشورها قرار گرفته است چرا که در این‌گونه کشورها فرآیند توسعه و توسعه‌نیافتگی، چالش اصلی جامعه می‌باشد و همه‌ی وقایع و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصاد موجود، خواه ناخواه تحت تأثیر آن قرار دارند (Kadivar, 2007:190-210). وجود دولت و تأثیر آن در همه‌ی دوره‌های تاریخی برای حفظ امنیت و در دوره‌های جدید برای پیشرفت و توسعه‌ی کشورها یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود، اما در کشورهای توسعه‌نیافته، دولت به‌عنوان یک عنصر بسیار مؤثر نقش حیاتی بازی می‌کند. به رغم رشد جامعه‌ی مدنی و نهادهای واسط در حوزه‌ی عمومی و گسترش مؤثر بخش خصوصی به نسبت دوران گذشته، میزان تأثیر دولت در فرآیند توسعه بیشتر از دوره‌ی تاریخی که غرب در محدودیت حوزه‌ی عمومی و مدنی قرار داشت عمل می‌کند. از این رو بخشی از بی‌ثباتی و توسعه‌نیافتگی در کشورهای در حال توسعه به دولت‌ها و عدم ایفای نقش‌های مؤثر آنها باز می‌گردد (Shoostari, 1388:4).

توسعه‌ی سیاسی که به معنای توسعه‌ی مشارکت و رقابت سیاسی می‌باشد علیرغم همه‌ی چالش‌ها و مشکلات فراوان، به‌عنوان یک هدف بزرگ سیاسی، سال‌های زیادی است که در قسمت‌هایی از جهان به ثمر نشست، ولی هنوز در اغلب کشورهای جهان سوم از داشتن چنین موهبت بزرگ محروم هستند و برعکس آن به جای توسعه‌ی سیاسی با انواع و سطوح مختلف عدم توسعه‌نیافتگی و عدم استواری سیاسی دسته و پنجه نرم می‌کنند (Abrahamian, 2000:214-382). مفهوم فوق‌الذکر سالیان متمادی در ایران همچون سایر کشورهای در حال توسعه به مثابه یک هدف آرمانی و مطلوب شناخته می‌شود (Ghadery, 2013:2)؛ انقلاب جمهوری اسلامی ایران که انقلابی مردمی می‌باشد در صد ارائه‌ی الگو و مدلی جدید با هدف رسیدن جامعه به تعالی و توسعه است در همین راستا اقداماتی جهت گسترش احزاب و سازمان‌های مردم نهاد و تحقق جامعه‌ی مدنی صورت گرفت و به دنبال این اقدامات آسیب‌شناسی و نقد امور مربوطه به توسعه‌ی سیاسی اهمیت بیشتری پیدا کرد تا جایی که با شروع دهه‌ی چهارم ایران این بحث به یکی از دغدغه‌های جمهوری اسلامی تبدیل شد تا جایی که رهبری ایران چهارمین دهه‌ی انقلاب اسلامی را

دهه‌ی پیشرفت و عدالت نامید که «پیشرفت و عدالت»، معادلی برای توسعه‌ی همه‌جانبه در ادبیات جدید می‌باشد. مجموع دیدگاه‌های رهبری جمهوری اسلامی ایران نشان حاکی از آن است که این مفهوم بار معنایی معادل توسعه‌ی سیاسی دارد و جهت تمایز از توسعه‌ی غربی، مقید به ضابطه‌ی اسلامی عدالت شده است. از سوی دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سه آرمان مهم آزادی، عدالت و استقلال نهادینه شده است و به عبارتی انقلاب اسلامی برای رسیدن به این سه آرمان به وقوع پیوست که تحقق آن به توسعه‌ی سیاسی پیوند می‌خورد (Shafie, 2015:104-105).

بدون تردید منابع زیرزمینی و طبیعی، ذخایر با ارزشی هستند که در اختیار دولت‌ها و ملت‌ها قرار دارد و این‌گونه انتظار می‌رود که استفاده‌ی درست و بهینه از سود حاصل این ذخایر می‌تواند کشورها را به سوی توسعه سوق دهد و یا روند حرکت به سوی توسعه در آن کشورها را تسریع بخشد، اما در واقع تجربه در کشورهای مختلف آسیایی و آمریکای لاتین نشان می‌دهد که علیرغم دارا بودن این کشورها از منابع طبیعی هنگفت توسعه‌ی ضعیفی دارند و سطح زندگی ساکنین‌شان بسیار پایین است. بر همین اساس ببلاوی و لوچیانی مفهوم رانتیرسم و نظریه‌ی دولت رانتیر<sup>۱</sup> را مطرح می‌کنند که بیشتر مختص جوامع و دولت‌های خاورمیانه‌ای می‌باشد بر پنج پایه‌ی اصلی استوار است: نخست تعریف رانت به مثابه درآمد باد آورده حاصل از فروش منابع طبیعی؛ دوم: ابتناء بخشی مهم (بالای ۴۲ درصد) از درآمد بر رانت به شکلی منظم و مستمر؛ سوم: غیر تولیدی بودن اقتصادهای رانتی و کسب درآمد از طریق فروش منابع در بازارهای خارجی و نه از طریق فعالیت‌های مولد داخلی چهارم تولید رانت توسط اقلیت جامعه و مصرف رانت توسط اکثریت جامعه‌ی پنجم انحصار دریافت و کنترل هزینه رانت توسط دولت (Beblavi & Luciani, 1987:10-12).

بر اساس این پنج پایه‌ی اصلی نگاه ببلاوی و لوچیانی می‌توان نتیجه گرفت که دولت‌های رانتی اقتصاد آنها بر پایه فروش منابع زیر زمینی (آستانه‌ی ۴۲ درصدی) می‌باشد، دارای اقتصاد عموماً دولتی، تولید ناخالص داخلی محدود، جدایی رانت با تولیدات داخلی و تنها تعداد کمی از افراد درگیر تولید رانت هستند و اکثر افراد این جوامع دریافت کننده و توزیع کننده‌ی رانت می‌باشند.

پیوند میان اقتصاد و سیاست در ایران پیشینه‌ی درازی دارد و در تاریخ معاصر نیز ماهیت دولت و اقتصاد رانتیر، چنین پیوندی را تداوم و عمق بخشیده است، و دولت‌ها غالباً

<sup>۱</sup> Rentier State

از منابع اقتصادی به‌عنوان هژمونی سیاسی بهره گرفته‌اند. پس از انقلاب ۱۳۵۷ با توجه به اینکه بسیاری از ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ارزشی نسبت به قبل از انقلاب تغییر کرد اما در ساختار اقتصادی (ساختار رانتی و متکی بر فروش منابع طبیعی) تغییری صورت نپذیرفت، به‌طوری که در چهار دهه‌ی اخیر کشور ایران از محل فروش دارایی‌هایی مانند نفت و گاز درآمدهای هنگفتی و سرمایه‌ی عظیمی کسب کرده و از ۱۲۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۵۷ به ۱۸۴/۱۰۰ میلیارد تومان در پایان سال ۱۳۹۶ رسیده است، اما این ثروت همواره کارکردهایی در روند همه‌جانبه توسعه‌ی ایران داشته است. بر اساس مطالب فوق در این مقاله علمی - پژوهشی با یک روش دلفی در پی شناسایی تهدیداتی هستیم که دولت رانتی جمهوری اسلامی ایران در حرکت به سوی توسعه‌ی سیاسی امکان بوجود آوردن آن را دارد.

### هدف پژوهش

شناسایی تهدیدهای دولت رانتیر در روند توسعه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی ایران.

### مبانی نظری پژوهش

امروزه مقوله‌ی توسعه‌ی سیاسی از مباحث مهم در بین نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران توسعه در محافل آکادمیک و بین‌المللی دنیا بخصوص در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. زیرا در این کشورها ثبات سیاسی در گرو توسعه‌ی سیاسی می‌باشد. به همین دلیل اهمیت توسعه‌ی سیاسی به‌عنوان یکی از ابعاد مفهوم توسعه به شکلی است که بحث درباره روند شکل‌گیری آن و یا عدم شکل‌گیری آن به یکی از مهم‌ترین مباحث اندیشمندان و پژوهشگران حوزه‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و ... تبدیل گردیده است. تاریخچه‌ی نظریه‌پردازی در باب توسعه‌ی سیاسی (دموکراسی) به یونان باستان باز می‌گردد. فلاسفه‌ی یونان باستان همچون ارسطو، افلاطون و سقراط نسبت به دموکراسی نگاه منفی به نظام سیاسی دموکراسی داشتند و همواره این‌گونه نظام‌ها را مورد نقد خود قرار می‌دادند. همین نگاه‌های منتقد و موافق در طول دوره‌های تاریخی مختلف باعث ماندگاری اندیشه دموکراسی گردید.

پس از گذر از سده‌های میانه و پیدایش نظام‌های سیاسی نمایندگی باز سخن از مردم‌سالاری رونق گرفت. و آراء و نظریات نظریه‌پردازانی همچون ژان ژاک روسو و جان

لاک و ... رونق جدیدی به تئوری داد. در قرن هجدهم میلادی و با وقوع انقلاب فرانسه بستری جدید برای نظریه‌پردازی در باب توسعه‌ی سیاسی فراهم شد (Vafaie, 2014:3). عمده تئوری‌های توسعه بعد جنگ جهانی دوم شکل گرفت در همین راستا «کمیت‌ی سیاست‌های تطبیقی» در آمریکا تأسیس گردید تا به بررسی دلایل تأخیر کشورهای جهان سوم در نوسازی بپردازد؛ و بر همین اساس کمک به نوسازی کشورهای جهان سوم در اولویت اقدامات سیاسی ایالات متحده‌ی آمریکا قرار گرفت. تا جایی که جان اف‌کندی از اولویت‌های اصلی پیشنهادی خود به کشورهای آمریکای لاتین در برنامه‌ی «اتحاد برای ترقی» را در راه دموکراسی و آزادی معرفی کرده بود (Badie, 2006:77).

اکنون که بیش از نیم قرن از شروع مطالعات و نظریه‌پردازی توسعه‌ی سیاسی گذشته است و طی این مدت نظریه‌پردازان و پژوهشگران به مطالعه‌ی فرآیندهای توسعه‌ی سیاسی در کشورهای گوناگون پرداخته‌اند. «جریان توسعه‌گرایی کلاسیک و در چارچوب آن، مدرنیزاسیون، رهیافت نخستین پژوهش‌ها بود و به تدریج به منظور چیره شدن بر ضعف‌ها و کاستی‌های نظریه‌های نوسازی، جریان بازشناسی جامعه‌شناسی و مطالعات تاریخی (Badie, 1997:22)، (Huntington, 1971:325)، چارچوب‌های کلان مطالعات را فراهم کرده‌اند و به دنبال رویکردها در دهه‌های اخیر، نظریه‌های دموکراتیزاسیون (Riggs, 1981:235) و حکمرانی خوب (Ikander, 2015:145) نیز مطرح شده‌اند.

با نگاهی به تاریخ معاصر کشور ایران در می‌یابیم که وقوع انقلاب مشروطه اولین حرکت به سوی توسعه‌ی سیاسی در کشور بوده است، و بعد آن روند توسعه‌ی سیاسی در این کشور همواره فراز و نشیب‌هایی به همراه داشت اما مهم‌ترین و پررنگ‌ترین حرکت به سوی رسیدن به شاخص‌های مطلوب توسعه‌ی سیاسی، حرکت جامعه در انقلاب اسلامی بوده است زیرا وجه تمایز انقلاب اسلامی با سایر امواج قبلی در این است که پیشران‌ها و نیروهای تأثیرگذار بر نهادینگی توسعه‌ی سیاسی، تا کنون از رشد چشمگیری برخوردار شده‌اند (Heidary, 2019:38-36).

دوره‌ی چهل ساله انقلاب اسلامی (تا زمان انجام تحقیق حاضر)، معیار خوبی جهت بررسی روند دستیابی به توسعه‌ی سیاسی در کشور ایران می‌باشد، توسعه‌ی سیاسی یکی از آرمان‌ها و اهداف مهم انقلاب اسلامی بوده است. شیوه‌ی تحقق توسعه‌ی سیاسی را در قالب افزایش ظرفیت‌های نظام، برابری و انفکاک ساختاری پوشش می‌دهد.

نظام جمهوری اسلامی از همان آغاز خود بیش از هر چیزی به برابری و عدالت اجتماعی به‌عنوان پیش‌نیاز توسعه‌ی سیاسی پرداخت و در دوران سازندگی بعد از جنگ در

قالب «سازندگی اقتصادی - اجتماعی، گسترش و تجهیز زیر ساخت‌های لازم در جهت رسیدن به توسعه در دستور کار خود قرار داد. اواسط دهه‌ی ۷۰ با فراهم شدن امکانات و مقدمات ساختاری و انسانی لازم، به مقوله‌ی توسعه‌ی سیاسی و مؤلفه‌های آن توجه بیشتری شد. با انتخابات دوم خرداد سال ۱۳۷۶ و مشارکت ۸۰ درصدی مردم در این انتخابات چهره‌ی جدیدی از ظرفیت مردم‌سالارانه این نظام بروز کرد که دولت وقت از این فرصت برای پوشش دادن به مؤلفه‌ها و ابعاد مختلف توسعه‌ی سیاسی بهره برد، مانند توسعه و افزایش مطبوعات و اطلاع‌رسانی، گسترش احزاب و گروه‌های سیاسی، تشکیل سازمان‌های مردم نهاد، گسترش اینترنت در نقاط مختلف کشور، انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در کشور و تقویت گفتمان اجتماعی و فضای نقد در جامعه.

حوزه‌ی مطبوعات که با آغاز جنگ تحمیلی ۸ ساله تضعیف گردیده بود در دوران سازندگی جان دوباره‌ای گرفت به گونه‌ای که از ۱۶۳ تعداد کل مطبوعات به ۶۶۰ مطبوعه در سال ۱۳۷۵ (رشد ۴۰۰ درصد) رسید (Shfieifar, 2015:117). به نقل از مرکز آمار ایران، تحولات اجتماعی اقتصادی و ... و این روند در دوران اصلاحات (۱۳۷۶ الی ۱۳۸۴) به اوج خود رسید تا جایی که در سال ۱۳۸۳ تعداد کل مطبوعات به عدد ۲۸۱۷ عنوان رسید (Statistics Center of Iran, Statistical Yearbook, 2007)، که خیلی بالاتر از پیش‌بینی برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی ایران بوده است. در دوره‌ی اصولگرایی این روند نیز باز افزایش یافت و در سال ۱۳۹۱ تعداد کل مطبوعات به رقم ۵۶۰۶ مطبوعه افزایش یافت (Statistical Yearbook of Iran, 2012). علاوه بر این حوزه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز پیشرفت شگرفی داشت، گسترش ضریب نفوذ اینترنت و بدنبال آن پیدایش خبررسانی‌های اینترنتی گسترش یافت که این امر سهم مهمی در اتقاء آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی، آزادی بیان و فعالیت و مشارکت سیاسی داشت، ضریب نفوذ اینترنت در سال ۲۰۱۱ به میزان ۷ درصد بوده است (Statistical Yearbook of Iran, 2012).

احزاب مجری اجرای سیاست و رابط بین جامعه و دولت هستند؛ و در کشورهای توسعه‌یافته، توسعه‌ی سیاسی بدون وجود احزاب سیاسی معنا و مفهومی ندارد. تا سال ۱۳۷۵ تعداد احزاب موجود در ایران ۳۵ حزب سیاسی بود که از کمیسیون ماده‌ی ۱۰ احزاب مجوز فعالیت گرفته بودند، اما با شروع دوره‌ی اصلاحات در کشور این تعداد افزایش و فعالیت آنها گسترش یافت، در این دوره با تشکیل خانه احزاب و اختصاص یارانه به احزاب دولت وقت به رشد کمی آنها کمک کرد به گونه‌ای که تنها در سال ۱۳۷۷، تعداد

۴۲ حزب و در سال ۱۳۷۸، ۳۰ حزب مجوز فعالیت دریافت کردند ( *General Political Office, 2000* ) و تا پایان دوره‌ی اصلاحات تعداد احزاب دارای مجوز در کشور به ۲۲۰ حزب رسید.

گروه‌های سیاسی و سازمان‌های مردم نهاد نیز از دیگر شاخص‌های توسعه‌ی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران هستند و همواره مورد توجه دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی به عنوان بخشی از پروژه وقوع جامعه‌ی مدنی بوده‌اند ( *Mohammadzadeh, 2003:181-182* ). بعد کانون صنفی معلمان، یکی از مهم‌ترین و سیاسی‌ترین کانون‌های صنفی تحت عنوان انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران شکل گرفت و در این زمینه اتحادیه‌ی روزنامه‌نگاران مسلمان و انجمن روزنامه‌نگاران زن نیز بوجود آمد. طبق اسناد قانون برنامه‌ی سوم مقرر بود که طی سال‌های اجرای این برنامه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) سازمان‌های غیر دولتی مربوط به جوانان با رشد ۲۱/۳ درصدی مواجهه شوند ( *Judiciary, 2001:14* ). اما با تسهیل قوانین و مقررات تشکیل سازمان‌های مردم نهاد این سازمان‌ها با رشد چشمگیری مواجه شدند که بسیار بیشتر از پیش‌بینی برنامه‌ی توسعه‌ی مذکور بود، به‌گونه‌ای که تعداد آنها را ۲۰ تا ۳۰ هزار تخمین زده‌اند ( *Mohammadzadeh, 2003:181-182* ). ( *Kadivar, 2007:175* ) و از جمله این سازمان‌ها که نمود جهانی نیز پیدا کرد سازمان‌های زیست محیطی بودند که از ۳۰ سازمان به ۲۰۰ سازمان افزایش یافتند ( *Shafie, 2015:118* ).

در توصیف نظری متغیر مستقل پژوهش باید گفت که اقتصاددانان کلاسیک اولین گروهی بودند که از مفهوم رانت سخن به میان آوردند و پس از آن نئوکلاسیک‌ها این مفهوم را با دیدگاه جدیدی بیان کردند.

دیوید پیرس در «لغت‌نامه‌ی اقتصاد مدرن» رانت را این‌گونه تعریف می‌کند: «رانت پرداختی است در ازای یک فاکتور، بیشتر از آنچه که برای حفظ وضعیت کاربرد فعلی آن ضروری است» ( *Beblawi and Luciani, 1986:67* ).

همان‌طور که در بالا گفته شد اقتصاد دانان کلاسیک همچون آدام اسمیت و دیوید ریکاردو نیز به مفهوم رانت توجه داشته‌اند، آدام اسمیت بر آن است که میان رانت و دیگر منابع درآمد مانند مزد و سود تفاوت وجود دارد، بر اساس نظر وی «رانت به شیوه‌ی متفاوتی از دستمزد و سود در ترکیب قیمت کالاها داخل می‌شود. دستمزدها و سودهای بالا و پایین، مسبب قیمت بالا یا پایین می‌شود اما رانت بالا یا پایین مسبب قیمت بالا یا پایین نیست بلکه نتیجه آن می‌باشد» ( *Smith, 1960:412* ). رانت به‌عنوان مثال صرفاً

درآمدی برای یک صاحب زمین یا خانه نیست، بلکه جایزه‌ای در ازای مالکیت منابع طبیعی است. ریکاردو یکی دیگر از نظریه‌پردازان اقتصاد کلاسیک معتقد است: «معدان و زمین منبع رانت برای مالکان آن‌ها می‌باشند و این رانت نتیجه‌ی ارزش بالای محصولات معدان و زمین است نه علت آن» (Ricardo, 1962:590). به‌طور کلی زمانی که از رانت سخن می‌رود منظور «درآمدی است که از هدیه‌ی طبیعت استخراج می‌گردد» (Principles, 1920:43). بدین ترتیب می‌توان دریافت که رانت درآمدی است که بدون تلاش به دست می‌آید و در مقابل مفاهیمی چون مزد و سود به کار می‌رود که نتیجه‌ی فعالیت و تلاش اقتصادی است.

پس رانت هدیه‌ای است که جوامع دارا از منابع طبیعی آن را دریافت می‌کنند، این هدیه بدون تلاش و زحمت بدست می‌آید و در مقابل مفاهیمی همچون سود و حقوق قرار می‌گیرد؛ بنابراین درآمد حاصل از فروش نفت و یا دیگر منابع همچون الماس رانت محسوب می‌گردد. ضمناً دیگر ویژگی رانت کمیابی آن می‌باشد زیرا منابع طبیعی در همه جا وجود ندارد و فقط مناطق خاصی در دنیا از این نعمت‌های خدادادی بهره‌مند هستند و همین امر باعث ایجاد ارزش افزوده برای مالکین آنها می‌گردد، البته این نکته نیز حائز اهمیت است که مفهوم رانت امروزه دیگر تنها به منابع طبیعی مربوط نمی‌شود و این دامنه‌ی گسترده‌ای را فرا گرفته است.

به رفتار و شیوه‌ی حکومت رانی دولت‌های رانتی جهت حفظ بقاء و افزایش مشروعیت، رانتیسم اطلاق می‌شود، این دولت‌ها توسط شیوه‌ها و راه‌های گوناگون سعی در جذب گروه‌های جامعه و اقشار اجتماعی دارند.

دادن امتیاز به برخی گروه‌ها در جامعه، افزایش هزینه‌های دولت در اقتصاد داخلی، تشکیل گروه‌ها و احزاب خاص و دعوت مردم به عضویت در این احزاب و گروه‌ها از جمله فعالیت‌های این‌گونه دولت‌ها در جذب اکثری جامعه می‌باشد (Shekari, 2000:37).

نظریه‌پردازان رانتی ویژگی‌هایی را برای دولت‌های رانتی برشمردند که بدین شرح می‌باشد:

۱- از آنجا که تمام اقتصادها دارای برخی مشخصه‌های رانتی هستند، از این‌رو باید برای رانتی بودن، این معیار را در نظر گرفت که رانت قسمت عمده‌ی درآمد دولت را تشکیل می‌دهد. در کتاب دولت رانتی عدد ۴۲ درصد به بالا را در نظر گرفته شده است. بدین معنا که هر کشور که ۴۲ درصد یا بیشتر از کل درآمدش از رانت خارجی باشد دولت رانتی نامیده می‌شود.



۲- این رانت‌ها باید از خارج از کشور تأمین شوند. به‌عبارت دیگر، رانت هیچ‌گونه ارتباطی با فرآیندهای تولیدی در اقتصاد داخلی کشور ندارد.

۳- در یک دولت رانتیر فقط درصد بسیار کمی از نیروی کار درگیر تولید رانت می‌باشد و بنابراین اکثریت جامعه‌ی دریافت‌کننده یا توزیع‌کننده‌ی رانت هستند.

۴- دولت رانتیر دریافت‌کننده‌ی اصلی رانت خارجی است و نقش اساسی در هزینه نمودن آن را ایفا می‌کند.

بدین ترتیب اکثر کشورهای تولیدکننده و صادرکننده‌ی نفت را می‌توان دولت رانتیر نامید.

### پیشینه پژوهش

#### الف) تحقیقات داخلی

نفت و موانع توسعه‌یافتگی (عیوضی، ۱۳۸۷)، در این مقاله نگارنده ضمن تبیین ابعاد مختلف و تشریح وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولت‌های رانتیر، ناکامی فرآیند توسعه‌ی نفت محور به‌عنوان مصداق بارز چنین دولت‌هایی نام برده است. وی معتقد است افزایش قیمت نفت طی سال‌های اخیر باعث رشد سطح توقعات مردم جامعه گردیده است، اما باید بدانیم که درآمدهای نفتی همانند شمشیر دو لبه عمل می‌کند که می‌تواند به نابودی اقتصادی همچون اقتصاد کشور ایران بیانجامد، زیرا برداشت‌های بی‌حساب و کتاب از درآمدهای نفتی و تزریق آن به چرخه‌ی مالی در کشور و یا هزینه‌ی آن در کوتاه‌مدت می‌تواند آثار منفی داشته باشد و باعث افزایش نقدینگی و رشد تورم در اقتصاد کشور باشد که این عامل باعث نابودی و تضعیف بخش‌های دیگر اقتصادی همچون بخش صنعت و کشاورزی می‌گردد.

#### ب) تحقیقات خارجی

دولت‌های رانتی در جهان عرب (بیلوی، ۱۹۸۷)، هازم بیلوی از معروف‌ترین نظریه‌پردازان در باب نظریه‌ی دولت رانتیر است که در فصل دوم نظریه‌ی آن را تشریح کردیم، وی در مقاله‌ای در سال ۱۹۸۷ به توضیح دولت‌های رانتی جهان عرب با الهام از نظریه‌ی دستمزد و سود اقتصاد دان کلاسیک با نام آدام اسمیت پرداخته است و در این مقاله‌ی وی معتقد است که رانت در همه‌ی دولت‌ها وجود دارد البته استفاده از رانت در دولت‌ها دارای شدت و ضعف می‌باشد. وی در این مقاله معتقد است که دولت‌های عربی

خاورمیانه با سود فروش از نفت ثروت‌های بادآورده‌ای به دست می‌آورند (ثروتی که خیلی فراتر از کاری است که برای دست آوردن آن انجام داده‌اند)، اما همواره این کشورها علی‌رغم درآمدهای بالا درگیر چالش‌هایی بخصوص در بخش اقتصاد خود هستند. وی در ادامه می‌گوید دولت‌های عربی باید به دنبال نوسازی در خود بروند و فعالیت‌های اقتصادی خود را از اقتصاد مصرفی به سمت اقتصاد مولد تبدیل کنند (Beblvi, 1987).

مقایسه‌ی نفرین منابع در آسیای شرقی و اقیانوس آرام (بارما، ۲۰۱۴)، نازنین بارما کارشناس ارشد نیروی دریایی در دانشگاه مونتری کالیفرنیا طی مقاله‌ای در سال ۲۰۱۴ به مقایسه‌ی از نفرین منابع در آسیای شرقی و اقیانوس آرام پرداخته است. در این مقاله وی می‌گوید برخی از کشور که از رانت برخوردار نیستند شرایطی را تجربه کردند که در کشورهای دارای دولت رانتیر صورت گرفته است. وی می‌گوید در منطق نظریه‌ی دولت رانتیر آمده است که تمامی شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در کشورهای دارای دولت رانتیر وابسته بر شرایط فروش نفت است. نگارنده در این مقاله کشورهای را مثال می‌زند که همین شرایط را دارند اما در صورتی دولت‌های آنها ماهیت رانتی ندارند.

تئوری دولت‌های رانتیر موخر (ماته گری، ۲۰۱۱)، ماته گری استاد مرکز مطالعات عرب و اسلام دانشگاه استرالیا در سال ۲۰۱۱ به ارائه‌ی تئوری در مورد آینده‌ی دولت‌های رانتیر جهان عرب پرداخته است که در این مقاله می‌گوید تئوری دولت رانتیر به دنبال توضیح تأثیرات پرداخت‌های رانت خارجی در روابط دولت‌ها و جامعه است که بیش از دو دهه مورد استفاده‌ی مفسران اقتصادی، سیاسی و جامعه‌شناسی قرار گرفته است. و امروزه نیز مورد استناد محققان کشورهای مختلف بخصوص کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس می‌باشد؛ اما پس از دو دهه از ارائه‌ی این نظریه، کشورهای نفت‌خیز تغییرات عمده‌ای را در خود دیده‌اند، کشورهایی نظیر امارات متحده‌ی عربی، قطر و بحرین بسیار متفاوت‌تر از آنچه هستند که در ابتدای ارائه‌ی این نظریه بوده‌اند، اقتصاد و تجارت آزاد، ورود فناوری‌های جدید، سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی عظیم و تحولات اجتماعی و فرهنگی در این کشورها باعث ورود آنها به توسعه گردیده‌اند، و در نتیجه نویسنده‌ی مقاله بر این امر اعتقاد دارد که باید بازنگری در تئوری دولت رانتیر شود و به همین دلیل وی از تئوری دولت رانتیر مؤخر نام می‌برد و طی آن شرایطی را نام می‌برد که دولت‌های رانتیر پس از گذر از یک شرایط توسعه‌نیافتگی به آگاهی‌هایی دست می‌یابند و به واسطه‌ی آن آگاهی‌ها به سمت توسعه حرکت می‌کنند و این همان چیزی است که امروزه در امارات، عربستان و قطر مشاهده می‌کنیم.

## سؤال پژوهش

تهدیدهایی که رانتیریسیم در توسعه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بوجود آورد کدام است؟

## روش‌شناسی پژوهش

رویکرد کلی این پژوهش به لحاظ نوع تحقیق اکتشافی کیفی و کاربردی می‌باشد که ماهیتی بیشتر انتزاعی<sup>۱</sup> دارد و شامل بررسی و انعکاس ادراک افراد به منظور فهم کنش‌های انسانی و اجتماعی است (Alidosti, 2006:9).

روش مورد استفاده در این پژوهش روش کیفی دلفی می‌باشد، روش دلفی یک روش نظام‌مند در ارتباط ساخت‌دار میان متخصصان یا اندیشه‌داران است که در آن تلاش می‌شود با مدیریت یا هدایت یک گروه‌ی ناظر یا تهسیل‌گر و با استفاده از پرسشنامه در خصوص یک مسأله یا موضوع اظهار عقیده و در نهایت توافق ایجاد شود. هر چند روش دلفی مبتنی بر پرسشنامه است اما این پرسشنامه یک پرسشنامه‌ی باز پاسخ است که معمولاً به داده‌های کیفی و گاهی کمی منتج می‌شود و از این‌رو در قالب پژوهش‌های کیفی طبقه‌بندی می‌شود. بنابراین، در دلفی متخصصان طی چند دوره یا راند<sup>۲</sup> این امکان را می‌یابند تا با توجه به دیدگاه‌ها و استدلال‌های همدیگر پاسخ‌های خود را تعدیل کنند و به قابل قبول‌ترین پاسخ‌ها برسند یا نزدیک شوند، و یا اینکه به واسطه‌ی ارائه نهاد یا نظر و مواجهه با برابر نهاد یا نظر مخالف به یک نهاد یا عقیده‌ی مشترک جدیدی دست یابند (Mirzaei, 2016:378).

## بحث و نتیجه‌گیری

اساس نتایج حاصله از مراحل دلفی این پژوهش و همچنین بر اساس وزن‌دهی گویه‌ها که توسط صاحب‌نظران عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها صورت گرفت، مهم‌ترین تهدیدهایی که رانتیریسیم در روند توسعه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی ایران به همراه دلایل، به ترتیب اولویت به شرح جدول ذیل<sup>۱</sup> می‌باشد.

<sup>۱</sup> subjective

<sup>۲</sup> round

## جدول ۱: تهدیدهای رانتیریزم در توسعه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی ایران

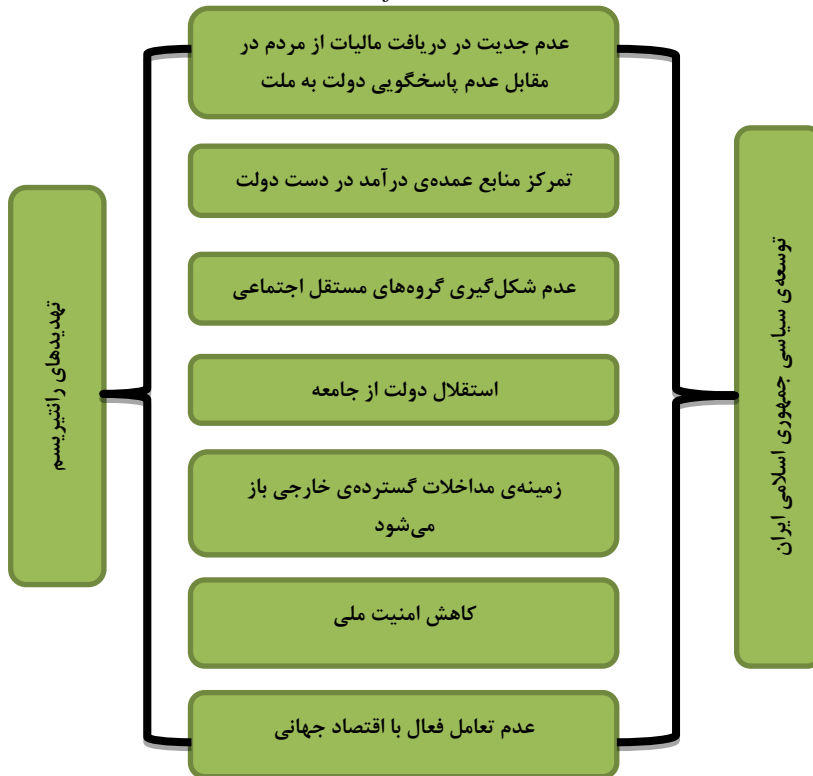
Table 1: Threats of Rentierism in the Political Development of the Islamic Republic of Iran

میانگین نمرات	جمع‌بندی دلایل	عنوان گوینده	ردیف
Average Score	Summarize The Reasons	Title of The Item	Row
16/78	وابستگی شدید دولت به ثروت حاصله از رانت باعث کاهش بار مالی دولت بر جامعه می‌شود و به همین دلیل دولت رانتیر عزم جدی برای دریافت مالیات از مردم ندارد و در چنین شرایطی به دلیل عدم دریافت مالیات از مردم نیازی به اعطای دموکراسی به آنها نمی‌بیند. به گفته‌ی رییس امور مالیاتی در ایران طبق برآوردها ۳۵ الی ۴۵ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی وجود دارد	عدم جدیت در دریافت مالیات از مردم در مقابل عدم پاسخگویی دولت به ملت	1
15/63	در دولت‌های رانته‌ی، دولت دریافت‌کننده و تولیدکننده‌ی انحصاری رانت است و دولت تصمیم می‌گیرد که رانت در کدام قسمت‌های جامعه هزینه گردد	تمرکز منابع عمده درآمد در دست دولت	2
15/21	با تمرکز قدرت در دستان دولت، امکان توسعه‌ی سیاسی و باز شدن فضای رقابت میان گروه‌های اجتماعی برای کسب قدرت و نهایتاً توسعه سیاسی از جامعه سلب می‌گردد	عدم شکل‌گیری گروه‌های مستقل اجتماعی	3
14/9	ماهیت رانت به شکلی است که در آن جامعه وزنه‌ی قابل‌اعتنایی به شمار نمی‌رود، زیرا دولت در سایه‌ی دریافت رانت از خارج دیگر به منابع داخلی (مالیات، عوارض و صدور کالاهای صنعتی و غیره) احساس نیاز نمی‌کند	استقلال دولت از جامعه	4
14/61	ذخایر رانته‌ی دارای جاذبه‌هایی توسط کشورهای ابر قدرت جهان هستند و همواره آنها قصد دخالت در سیاست‌های آن کشورها دارند	زمینه مداخلات گسترده‌ی خارجی را در کشور باز می‌کند	5
14/22	وابستگی شدید اقتصاد ایران به نفت، ضعف بزرگی برای آن محسوب می‌گردد و شرایطی را ایجاد می‌کند که نیروهای بیگانه با تمرکز بر این عامل حیاتی از طرق مختلفی مانند تحریم و ... اقتصاد ایران را تضعیف کنند که	کاهش امنیت ملی	6

ردیف	عنوان گویه	جمع‌بندی دلایل	میانگین نمرات
Row	Title of The Item	Summarize The Reasons	Average Score
		مطمئناً به دنبال آن ضعف امنیت ملی را شاهد خواهیم بود	
7	عدم تعامل فعال با اقتصاد جهانی	دولت‌های رانتیر به دلیل دستیابی آنها از ثروت‌های بادآورد و عدم شفافیت مالی آنها، کمتر علاقه به ارتباط گسترده با اقتصاد بین‌الملل دارند و این امر تأثیر بر سیاست‌های خارجی آنها می‌گذارد و آنها را به انزواء در عرصه‌ی سیاسی سوق می‌دهد	13/72

### مدل نهایی پژوهش

تهدیدهای رانتیرسم در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران  
*Threats of rentierism in the political development of the Islamic Republic of Iran*



### پیشنهادهای پژوهش

#### - گسترش دیپلماسی مبتنی بر احترام و تعامل با سایر کشورها

واژه‌ی دیپلماسی در لغت‌نامه‌ی به معنای مذاکره بین ملل مختلف با هدف حصول سازش با رضایت متقابل همگان باشد، است؛ و همان‌طور که می‌دانیم دیپلماسی از حائز اهمیت‌ترین اصول در سیاست خارجی کشورها می‌باشد و امروزه با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و شکسته شدن مرزها تحول عظیمی در عرصه‌ی دیپلماسی و سیاست خارجی کشورها رخ داده است.

کشور ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی خاص خود، پیشینه‌ی تاریخی، فرهنگی و اجتماعی باعث شده است که از قدرت خاصی نسبت به سایر کشورها برخوردار گردد که با یک برنامه‌ریزی و هدفمند کردن بهره‌برداری از منابع خود توانایی آن را دارد که به یکی از کشورهای موفق در دیپلماسی عمومی منطقه‌ای و جهانی تبدیل گردد، که این امر مستلزم ایجاد اتخاذ تدابیر و متد جدید در روابط خود با سایر کشورها می‌باشد. در این صورت می‌توان از دیپلماسی خود را به‌عنوان ابزاری تأثیرگذار تبدیل کند برای تحقق این امر دستگاه سیاست خارجی در ایران از اهمیت ویژه برخوردار می‌باشد زیرا این دستگاه وظیفه‌ی اجرای استراتژی‌ها و تدابیر در جهت بهبود دیپلماسی را بر عهده دارد، باید ابتدا به یک شناخت عمومی از سایر کشورها و بخصوص کشورهای رقیب در صحنه‌ی بین‌الملل دست یابد، این کار به این دلیل مهم است که بدانیم جوامع سایر کشورها بر اساس فعالیت‌ها و رفتارهای دیگر، یک کشور را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند و قطعاً نظر آنها در نحوه‌ی تصمیم‌گیری کشورشان تأثیرگذار خواهد بود. پس برای تقویت دیپلماسی عمومی باید بتوانیم تأثیر مثبت بگذاریم بر روی افکار مردم سایر ملل، در صورت تحقق این امر می‌توانیم تبلیغات منفی سایر رقبای را خنثی کنیم.

#### - اصلاح نظام مالیاتی و افزایش پایدار سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه کشور:

در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته‌ی دنیا موضوع درآمدهای حاصل از مالیات دارای اهمیت بسزایی می‌باشد زیرا باعث کنترل آثار نامطلوب اقتصادی در کشورشان می‌گردد. دارا بودن از یک نظام مالیاتی قوی و کارا به بالا رفتن سهم درآمد مالیاتی نسبت به تولید ناخالص داخلی و کمرنگ شدن اقتصاد زیرزمینی و پنهان در جوامع کمک می‌کند در نتیجه یکی از راه‌های رسیدن به بالا بردن درآمدهای مالیاتی شفاف‌سازی نیمه‌ی پنهان اقتصاد در کشورها است.

متأسفانه امروزه درآمدهای مالیاتی در کشور ایران متناسب با ظرفیت‌های آن در اقتصاد نیست و این ضرورت را ایجاد می‌کند که قوه‌های مقننه، مجریه و قضائیه در کشور با اتخاذ تدابیر و استراتژی‌های جدید به اصلاح نظام مالیاتی، مانع رشد اقتصاد بخش غیر رسمی، افزایش امنیت اقتصادی، پررنگ کردن سهم درآمدهای مالیاتی در درآمدهای دولت و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در بودجه‌ی سالیانه کشور شوند، البته اصلاح ساختار قانون بودجه در کشور می‌تواند کمک بزرگی در جهت پررنگ‌تر کردن نظام مالیاتی در کشور داشته باشد؛ و در نهایت این امر باعث کاهش ضربه‌پذیری اقتصاد کشور در زمان بحران بخصوص تحریم‌های اقتصادی سایر کشورها می‌گردد.

شکی نیست حصول درآمدهای دولت منجر به تأمین سطح رفاه و رضایت‌مندی مردم و امنیت می‌گردد، در کشورهای توسعه‌یافته‌ی دنیا مهم‌ترین منبع درآمدی دولت‌ها درآمدهای ناشی از دریافت مالیات می‌باشد.

اما در کشورهای تولیدکننده‌ی نفت مهم‌ترین منبع درآمدی دولت از فروش نفت و فرآورده‌های حاصل از آن است، نفتی که سرمایه‌ی ملی کشورشان و برگشت‌ناپذیر است را صرف هزینه‌های زودگذر می‌کنند و همین باعث می‌شود که به زیر ساخت‌ها و مزیت‌ها و توانمندی‌های کشور کمتر توجه شود، و از آنجا که منابع نفتی پایان‌پذیر هستند با کمبود و پایان این منابع این کشورها دچار مشکلات عدیده می‌گردند. بعنوان مثال تحریم‌هایی که امروزه علیه جمهوری اسلامی ایران وارد گردیده است باعث شده که صدمات جبران‌ناپذیری به اقتصاد کشور وارد کند.

نتایج مطالعات پیشین حاکی از آن است که «درآمدهای نفتی و اتکای جوامع نفت‌خیز به این منبع درآمدی به همراه نوسانات شدید قیمت آن اثرات نامطلوب و زیانبار اقتصادی فراوانی داشته است. از آن جمله، اقتصاد تک‌محصولی عدم توجه به منابع درآمدی دیگر چون کشاورزی و صنعت، ایجاد تورم، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و دستمزدها، کاهش ارزش پول کشور، گسترش بخش عمومی و نابودی بخش‌های خصوصی را می‌توان ذکر نمود، از طرف دیگر تأثیرپذیری قیمت نفت از تصمیمات سیاسی سایر دولت‌ها و نتیجه‌ی تأثیر آن در اقتصاد داخلی کشورهای صادرکننده‌ی نفت از دلایل دیگری است که موجب شده تا کشورهای نفت‌خیز به دنبال جایگزین‌های درآمدی مناسب دیگر به جای آن باشد و درآمدهای نفتی را نه برای هزینه‌های جاری و صرفی، که در جهت آموز زیربنایی و

تقویت امور صنعتی و تولیدی و بهره‌مندی نسل‌های آینده از عایدات ناشی از سرمایه‌گذاری‌های مناسب آن صرف‌نماید<sup>۱</sup>» (Official of Economic Studies, 1998).  
 نظام مالیاتی در کشور ایران در حال حاضر با ۲ مشکل عمده دست به گریبان است:  
 ۱- درآمدهای ناشی از فروش نفت و اتکاء دولت به آن باعث شده که دولت سمت دیگر منابع درآمدی به‌طور جدی نرود؛ ۲- دخالت دولت در اقتصاد و تصدی‌گری آن در بخش‌های بزرگ اقتصادی دلیل دیگری است که باعث شده دولت کمتر علاقه به وصول مالیات داشته باشد.

اگر چه قانون نظام مالیاتی در کشور در طول دوره‌های مختلف دستخوش تغییرات زیادی گردیده است اما متأسفانه این قانون از ضمانت اجراهای لازم و مجازات‌های بازدارنده‌ی مؤثر برای تخطی از خود برخوردار نمی‌باشد. اگر درآمدهای حاصل از نفت را در بودجه‌ی کاهش دهیم کسری حاصل از آن را فقط از طریق وصول درآمدهای نفتی می‌توانیم جبران کنیم، به این معنا که پیش‌نیاز حذف درآمدهای نفتی افزایش درآمدهای مالیاتی و دیگر درآمدهای دولت و افزایش تولید ناخالص داخلی می‌باشد و نهایتاً منجر به کاهش آسیب‌پذیری در اقتصاد بین ملل و عدم دخالت سایر کشور می‌گردد (Ranjbar & et. al, 2016:37).

با توجه به موارد گفته شده برای کاهش درآمدهای حاصل از نفت و جایگزینی درآمدهای حاصل از دریافت مالیات در بودجه‌ی کل کشور ایران باید به دنبال اصلاح ساختار بودجه در کشور رفت.

#### - کاهش سهم دخالت دولت در اقتصاد

بحث اندازه‌ی دولت در اقتصاد همواره مورد بحث صاحب‌نظران اقتصادی در دنیا بوده است، که تمامی این نظریه‌ها معمولاً به اقتضای دوره‌ی زمانی و مکانی مطرح گردیده است. بعنوان مثال در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی، تفکر غالب در بین صاحب‌نظران مبنی بر دخالت دولت در عرصه‌ی اقتصاد در کشورها بوده و بعد از آن از دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی به دلیل شرایط اقتصادی بد حاکم بر جوامع غربی تفکر غالب مبنی بر بازار آزاد و دخالت حداقلی دولت در اقتصاد گردید.

<sup>۱</sup> دفتر بررسی‌های اقتصادی (۱۳۷۷)، بررسی نظام مالیاتی ایران، آذر ماه.



دخالت دولت در اقتصاد در کشور ایران به زعم تحلیل‌گران اقتصادی عامل شکست رقابت آزاد اقتصادی در بازار گردیده و به همین دلیل بخش خصوصی جامعه همواره متضرر گردیده و نیز عامل عدم رشد آن شده است. گرچه تصور اقتصاد صد در صد خصوصی در کشورها هیچ‌گاه به حقیقت نپیوسته است. در برخی از بازارهای بزرگ (داخلی و خارجی) به نحو انحصاری، رقابت انحصاری و انحصار چند جانبه مشغول به فعالیت هستند. حتی در بخش کشاورزی در جامعه که نزدیک به رقابت آزاد هستند نیز به شرایط بازار آزاد منطبق نیست.

در نتیجه پیشنهاد می‌گردد:

الف) در وضعیت فعلی کمیسیون‌های مشترک اقتصادی و برنامه‌ریزی اصولی برای تنظیم موافقت‌نامه‌های اقتصادی تجاری با سایر کشورهای دنیا بخصوص کشورهای منطقه صورت پذیرد.

ب) برای رسیدن به تعامل سازنده با سایر کشورها بهترین راه تعامل و همکاری سازنده با اقتصاد جهانی و عضویت در سازمان تجارت جهانی می‌باشد. زیرا آمارها نشان می‌دهد بیش از ۹۰ درصد تجارت در دنیا، بین کشورهای عضو سازمان جهانی صورت می‌پذیرد. با عنایت به مخالفت برخی کشورهای عضو سازمان مذکور با ایران باید اعتمادسازی لازم صورت گرفته و تلاش جدی در جهت عضویت در آن صورت بگیرد. زیرا با عضویت در این سازمان ایران قادر خواهد بود با ۱۵۰ کشور دیگر عضو این سازمان به صورت فائده‌مند رابطه اقتصادی برقرار کند (Sabori, 2017:154).

#### - رشد صنایع غیر نفتی

کشور ایران همواره به دلیل وابستگی به اقتصاد نفتی متحمل آسیب‌های زیادی گردیده به همین دلیل امروزه بیش از هر زمان دیگری نیازمند تغییر در استراتژی اقتصادی خود و تأکید بر رشد اقتصاد غیر نفتی به‌عنوان یک استراتژی جدید می‌باشد. البته مدت زمان زیادیست که این مهم در دستور کار سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است اما تاکنون موفق از خروج از صادرات تک محصولی نگردیده‌اند. یک شوک مثبت نفتی در کشورهای صادرکننده بالتبع باعث افزایش فروش می‌گردد و درآمدهای حاصل از آن عامل کاهش شدید نرخ ارز می‌شود: «کاهش نرخ ارز، کالاهای قابل تجارت در کشورهای دارنده‌ی رانت را نسبت به کالاهای مشابه در کشورهای شریک تجاری گران‌تر می‌کند و در نتیجه، همزمان با افزایش صادرات منبع طبیعی، صادرات سایر

کالاهای قابل تجارت در کشورهای دارای منبه کاهش می‌یابد. بنابراین به جزء بخش مرتبط با منبع طبیعی، سایر بخش‌های تولیدی در این کشورها، که برخلاف بخش تولید و استخراج منبع طبیعی (نفت) دارای ارتباط زیادی با سایر بخش‌های اقتصاد نیز هستند، با رکود شدید مواجه می‌شوند و در نتیجه، کشور دارای منبع طبیعی گام به گام به درآمدهای نفتی وابسته می‌شود». غیر از آسیب‌های گفته شده نیز باید بدانیم کشور ایران طبق پیش‌بینی‌ها تا ۸۰ سال آینده با منابع فعلی دارای نفت می‌باشد پس اهمیت دارد که دستگاه‌های تصمیم‌گذار به‌طور جد وارد مقوله‌ی اقتصاد بدون نفت گردند؛ و برای آن پیشنهاد می‌شود:

- الف) توسعه و حمایت شرکت دانش بنیان بعنوان یکی از راه‌های ترقی ایران.
- ب) حمایت از تولید و کالای ایرانی به صورت عملیاتی و نه در حد شعار رفع موانع تولید.
- ج) رونق صنعت کشاورزی البته با برنامه‌ریزی بر اساس منابع آب در شهرها.
- د) رونق صنعت گردشگری با عنایت به جاذبه‌های خاص گردشگری در کشور و تسهیل در ورود گردشگران به کشور.
- ه) حمایت از صادرات غیر نفتی در اختیار گذاشتن تسهیلات در اختیار صادرکنندگان.
- و) تمرکز بر انرژی‌های نو و تجدید پذیر به جای انرژی‌های فسیلی بخصوص انرژی هسته‌ای
- ز) توجه بیش از پیش به صندوق توسعه‌ی ملی و برنامه‌ریزی بلند مدت.

**References:**

Abrahamian, E. (1997). *Eastern Tyranny: Iran in Qajar era*. Translated by Soheila Farsani, Tehran, journal *Pardis Daneshnameh* and Shirazeh. (Persian).

Badie, B. (2002). *Political Development*, Translated by Ahmad Naghibzadeh, Publishers Qoms. (Persian).

Barma, Naazneen H. (2014). "The Rentier State at Work: Comparative Experiences of the Resource Curse in East Asia and the Pacific", *Asia & the Pacific Policy Studies*, Vol. 1, No. 2.

Beblawi, H., Luciani, G. (eds) (1987). *The Rentier State*. London and New York: Groom Helm.

Brand, L. (1992). "Economic and Political Liberalization in a Rentier Economy: the Case of the Hashemite Kingdom of Jordan", in Iliya Hark and Denis J. Sullivan, eds., *Privatization and Liberalization in the Middle East*, (Bloomington: Indiana University).

Carolina Duarte, Lawrence P. E. Tkin (2006). Marilyn M. Helms, and Michael S. Anderson, *The challenge of Venezuela: A SWOT Analysis*.

Eyvaz, M. (2008). "Oil and Barriers to Development", Tehran, *Journal Rahbord Yas*. No 3. (Persian)

Giacomo, L. (2005). "Oil and Political Economy in the International Relations of the Middle East", in Louise Fawcett ed., *International Relations of the Middle East* (Oxford: Oxford University).

Gray, M. (2011). *A Theory of "Late Rentierism" in the Arab States of the Gulf*, Center for International and Regional Studies, Georgetown University School of Foreign Service in Qatar.

Huntington, S. (1971). "The change to change: Modernization, Development and politics", *Comparative politics* Vol. 3, No. 3.

Huntington, S. (1999). *Political Organizations and Societies are Changing*. Translated by Mohsen Salasi, Tehran, and Publishers Science. (Persian).

Iran Statistical Yearbook (2012). [www.salnameh.sci.org.ir/tables/show/printversion.aspx](http://www.salnameh.sci.org.ir/tables/show/printversion.aspx) (Persian).

Kadivar, M. A. (2007). Democratization the era of Reform. (1997-2005) Master Thesis in Political Science University of Tehran. (Persian).

Kietzmann, J. H., Hermkens; K., Mc Carthy, I. P. Silvestry, B. S. (2011). Social Media? Get Serious! Understanding the Functional Bulding Blocks of Social Media Business Horzons, 54 (1).

Mirtorabi, S. (2008). "Causes of Different Trands in Political Development in Oil Rich Countries", Tehran, Journal Daneshnameh, No. 70 (1). (Persian).

Mirtorabi, S. (2014). An Introduction to the Oil Economy and Issues in Iran, Pulishers Qoms. (Persian).

Mirtorabi, S. (2016). Oil, Political, Democracy. Pulishers Qoms. (Persian).

Mirzaie, S. (2013). Inuestgating the Role of Oil in Political Development, PhD Thesis, Allameh Tabatabaie University of Tehran, Faculty of Political Science. (Persian).

Mohammadzadeh, A. (2003). Contradictions in the discourse of Civil Society in the Islamic Republic of iran, Master Thesis in Political Science University of Tehran. (Persian).

Plan and Budget Organization (2007). The Law of Econimic, Social and Cultural Program of the Islamic Republic of Iran, Tehran. (Persian).

Qaderi, T. (2013). "Government Polices and Political Development in (1989-2005)", Tehran, Journal Social Science, No. 60. (Persian).

Ricardo, D. (1962). The Principles of Poltitical Economy And Taxation (London: Everyman's Library).

Riggs, W. E. (1983). "The Delphi Technique: An Experimental Evalution", Technological Forecasting and Social Changees, Vol. 23.

Sari Alghalam, M. (2011). Rationality and Developmen in Iran, Tehran Pulishers Farzan. (Persian).

Sattari, S. (2015). "Fundaental from of Oil Life", Journal Research State. No. 1 (2). (Persian).

Shafiefar, M. (2015). "The Trend of Political Development in Iran", Tehran, Journal Political. No. 1 (45). (Persian).

---

Shakeri, A. Q. (2010). "The Theory of Rentier State and the Islamic Revolution", Tehran, Journal the Islamic Revelation Center. (Persian).

Smith, A. (1960). *The Wealth of Nations* (London: Everyman's Library).

Yates, D. A. (1996). *The Rentier State in Africa: Oil Rent Democracy and Neocolonialism in the Republic of Gobon*, Trenton Africa.

Yergin, D. (1997). *World Oil History*, Translate, Gholamhosein Salehyar, Tehran, publishers Etellaat. (Persian).

## Threats of Rentierism in the Political Development of the Islamic Republic of Iran

Saeid Baghkhan<sup>1</sup>, Majid Kaffashi (Ph.D)<sup>2</sup>  
Soroush Fathi (Ph.D)<sup>3</sup>, Mehrdad Navabakhsh (Ph.D)<sup>4</sup>

DOI: 10.22055/QJSD.2020.28376.1839

### Abstract:

Nowadays, the importance of oil and the considerable wealth of its sale is no secret to anyone, since the wealth had always social, economic, cultural and political consequences in the process of moving toward development (in all its dimensions) in the exporting countries of this God-given source, so-called rentier states. This important issue, in turn, doubles the necessity of investigating the implications of the process and its impact on the process of moving toward development dimensions, given the socio-political conditions associated with the states in these countries. Iran's economy has relied on oil wealth for many years, and that oil economy has always had some functions in the country's development path. Thus, this study attempts to investigate the threats of rentierism and political development of the Islamic Republic of Iran by a Delphi method. According to the results, the major threats of rentierism in the political development of the Islamic Republic of Iran can be a lack of seriousness in collecting taxation from the people versus a lack of the state accountability to the nation, concentration of the major revenue sources in the hands of the state, and nonexistence of independent social groups, independence of the state from society, widespread intervention of foreign countries, a decline in national security and a lack of engagement with the global economy.

**Key Concepts:** Rent, Rentier State, Rentierism, Political Development

<sup>1</sup> PhD Student in Political Sociology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran, s.bakhani@ymail.com

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Roodehen Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author), majidkaffashi@gmail.com

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, West Tehran Branch, Tehran, Iran, fathi.soroush@gmail.com

<sup>4</sup> Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran, m.navabakhsh@iauctb.ac.ir

